دراماتورژی

انقلاب در تئاتر

مری لاکهرست

مترجم:
مهرداد بهراد

افراز
۱۳۹۳

www.ketab.ir

سرشناسه:	لاکهرست، مری Luckhurst, Mary
عنوان و نام پدیدآور:	دراماتورژی: انقلاب در تئاتر/ نوشته‌ی مری لاک‌هرست؛ ترجمه مهرداد بهراد.
مشخصات نشر:	تهران: قرار، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری:	۲۶۴ ص.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۲۴۳-۸۹۱-۴
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیپا
یادداشت:	عنوان اصلی: Dramaturgy : a revolution in theatre , 2006.
موضوع:	نمایش -- تهیه و کارگردانی
شناسه افزوده:	بهراد، مهرداد، ۱۳۶۶ -، مترجم
رده‌بندی کنگره:	PN۲۰۵۳/ل۲۶د۴ ۱۳۹۱
رده‌بندی دیویی:	۷۹۲/۰۲۳
شماره کتابشناسی ملی:	۲۸۷۶۳۶۶

www.ketab.ir

انتشارات افراز

ناشر برگزیده‌ی تئاتر و ادبیات نمایشی

دفتر مرکزی: خیابان فلسطین جنوبی، خیابان وحید نظری، بن‌بست افشار، پلاک ۱، واحد ۵

تلفن: ۶۶۴۰۱۵۸۵

مرکز پخش: ۶۶۹۷۷۱۶۶

وب‌سایت و فروشگاه اینترنتی: www.afrazbook.com

E-mail: info@afrazbook.com

دراماتورژی

مری لاکهرست

مترجم: مهرداد بهراد

نوبت چاپ: اول/۱۳۹۳

آرایش صفحات: یاسمین حشتری/ آتلیه افراز

طراح جلد: علی فروزنده/ سیامک پناهی

لیتوگرافی/ چاپ/ صحافی: ترنج/ تصویر/ یکتافر

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۵۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله، چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

www.ketab.ir

فهرست

پیشگفتار مترجم ۹
پیشگفتار نویسنده ۱۵
مقدمه ۱۷
دراماتورژی، کارکردها و کارگزارانش ۳۱
۱. گاتهولد لسینگ و دراماتورژی‌هامبورگ ۴۰
۲. دراماتورژی در قرن نوزدهم انگلستان ۶۴
۳. ویلیام آرچر و هارلی گرانویل بارکر: بنیان‌های مدیریت ادبی ۹۵
۴. برتولت برشت: دراماتورژی در نظریه و اجرا ۱۲۵
دراماتورژی و مدیریت ادبی در انگلستان امروز ۲۱۷
انقلاب مسکوت ۲۱۷
نمایشنامه‌نویسی متأخر ۲۲۰
حرفه ای سازی فعالیت‌های دراماتورژیک ۲۲۴
دراماتورژها و سیاست‌هایشان در راستای شناساندن نیروهای جدید ۲۲۸
آموزش و تدریس آکادمیک ۲۳۷
نگاهی به شیوه‌های دراماتورژی در شرکت‌های تئاتری انگلستان ۲۴۰
منابع و مآخذ ۲۵۳

www.ketab.ir

پیشگفتار مترجم

در گام نخست، امیدوارم، با عبور نگاه خواننده از چند صفحه نخست، فارغ از این پیشگفتار، ضرورت وجود چنین کتابی توجیه و بیان شود. اما به هرروی بیان ضرورت ترجمه و نشر چنین منبعی خالی از لطف نخواهد بود.

به‌مانند تمامی دانش‌آموختگان رشته‌های هنری در ایران، بنده نیز در طول دوران تحصیل گاه و بی‌گاه با پرسش‌ها و حتی واژگانی روبه‌رو شده‌ام که برای یافتن معنی و کارکردهای آن به نظام آموزشی و یا قفسه‌های کتابفروشی‌ها مراجعه کرده‌ام. اما نیک می‌دانیم که چه بسیار مواردی است که دانشجو از مراجعه به این دو منبع کلان اطلاعات، چیزی عایدش نمی‌شود. حال این مشکل مربوط به، به‌روز نبودن نظام دانشگاهی ما باشد یا فقر پژوهش، چندان در ارتباط با این پیشگفتار به‌نظر نمی‌رسد.

همان‌طور که از عنوان کتاب پیداست، ترجمه‌ی این کتاب پاسخی است به پرسشی، که هرگز بدون مراجعه کردن به منبعی مفصل و خارجی، قادر به پاسخ گفتن به آن نشدم. دراماتورژی با تمام ابعاد، شکل‌ها، کارکردها و تحولاتش، چیزی بود که‌یا به‌کلی نادرست بازگو می‌شد، یا توضیحات، تنها به وجهی کوچک و در مواردی خرد از حیطه‌ی گسترده دراماتورژی اشاره می‌کردند. به‌شکلی که در بسیاری از موارد، با این ذهنیت قالب گرفته مواجه می‌شویم که دراماتورژی چیزی است در حد اقتباس، بازنویسی و به‌طور خلاصه نوعی از کار تکنیکی در زمینه‌ی متن نمایشی. فرصتی پدید آمد و با مطالعه چندین منبع غیر فارسی زبان، دراماتورژی را به‌مثابه‌ی نهادی گسترده،

www.ketab.ir

فراگیر و به بیانی بهتر جهانی یافتم که شاید حلقه‌ی گمشده تئاتر ما باشد. علت این‌که کتاب در دست را برای ترجمه انتخاب کردم، پیش از هر چیز رویکرد تاریخی ـــ تحلیلی این کتاب نسبت به سایر کتب است. لاکهرست در این کتاب، کمتر از سایر پژوهشگران، جانبداری و یا ذهنیت‌سازی می‌کند. مفاهیم مستندی که او از شیوه‌های دراماتورژی، چالش‌ها و برداشت‌های متفاوت از این مبحث مدرن ارائه می‌دهد، از آن رو که کاملاً براساس داده‌های آرشیوی، کتب، مصاحبه‌ها، مجلات و یادداشت‌های مربوطه است، بی آن‌که نیازمند دخالت مستقیم پژوهشگر باشند، به بیانگری می‌رسند. دلیل دیگر گزینش این کتاب را باید در خاستگاه اجتماعی مؤلف آن جست. لاکهرست در کشوری دست به انجام این پژوهش عظیم می‌زند که از قافله تئاتر اروپا جا مانده است. فرهنگ محافظه‌کارانه بریتانیایی، مناسبات ویژه تئاتر تجاری، مقاومت اهالی تئاتر و ضعف پژوهش، همه نهایتاً منجر به تبدیل شدن بریتانیا، به الگویی از زوال مدیریت سنتی تئاتر می‌شود. لذا بدیهی است رویکرد مؤلف و پژوهشگر در این زمینه خاص، روشی اقناعی، چالش‌برانگیز و الگوسازانه خواهد بود. در پی این ادعا نیستم که الگوی شکل‌گیری نهاد دراماتورژی در انگلستان می‌تواند تبدیل به سرنمونی برای ما شود، اما نکته در مطالعه تکاپوهای پراتیک و نظری محققین و فعالینی نهفته است که سعی دارند، با تأخیری هزینه زا، نظام مدیریتی تئاتر را در کشور خود متحول کنند. روش برخورد نظام مند با هنر تئاتر، امری است که در تلاش تمام متفکران و منتقدان نام برده شده در این اثر، دیده می‌شود. بدیهی است در خوش‌بینانه‌ترین حالت، این ترجمه می‌تواند الگویی باشد برای آن‌چه من شبیه‌سازی نظام دراماتورژی در ایران می‌نامم و البته اذعان می‌کنم که این کتاب چیزی جز فتح باب در زمینه این رخداد نخواهد بود.

نکته‌ی دیگری که در گزینش این کتاب دخیل بود، برخورد جامع با دراماتورژی ومدیریت ادبی است. سیر تحول دراماتورژی از شکلی از منتقد درون‌سازمانی، تکنیسین‌آموز اقتباس و مهارت‌های زبان‌شناسانه و منصبی دائم گرفته تا نهادی گسترده و پر جمعیت با کارکردها و کارویژه‌های متفاوت و گسترده از پژوهش و انتشار و ژورنالیسم تا رویکرد پداگوژیک، در این کتاب مطرح می‌شود. شاید امروز به‌لحاظ نظری، برخورد با پدیده‌ها براساس اولویت تقدّم و تأخّر زمانی، جایگاه استوار گذشته

www.ketab.ir

را نداشته باشد، اما برای ما بررسی تاریخی پدیده‌ها حاوی نکته و درس مهمی است. نکته همیشه فراموش شده: شکلِ گذار. شکل گذار از تئاتر سازمان‌نیافته و پراکنده به تئاتر به‌عنوان بازویی تأثیرگذار در بافت فرهنگی و تحولات اجتماعی. شکل گذار از تئاتر تجاری محافظه‌کار که خود را تا سلیقه عموم تنزّل می‌دهد به شکل نوینی از تئاتر روشنفکرانه که از جذب مخاطب عام در عرصه اجتماع نیز عاجز نیست. از این روست که ــ چنان‌چه متهم به هیجان‌زدگی نشوم ــ تاریخ دراماتورژی، به‌سادگی بخشی معاصر از تاریخ تئاتر نیست. تاریخ دراماتورژی حتی تنها در قلمری تاریخ هنر معاصر نیز نمی‌گنجد، بلکه شکلی از تاریخ تفکر است که در بردارنده‌ی تغییر بنیادین نگاه به بنیان نظری در هنر، تجدید نظر در نفوذ فرهنگی هنر و همچنین اذعان به ضرورت وجود بنیانی نظام‌مند، روش‌مند و اندیشمندانه در پسِ هنرهای گروهی است. امروز که رواست از پرداختن قواعد کلّی و همگانی زیبایی‌شناسانه بپرهیزیم و با رعایت دقت در این زمینه، عنصر کلان مدیوم هنری را فراموش نکنیم، باید قائل به تفاوت‌های هنرهای بازنمایانگر نسبت به سایر هنرها باشیم. تئاتر و نمایش، به مانند سینما در انتزاعی‌ترین اشکال خود نیز حاصل شکلی از حساسیت اجتماعی هستند که همین حساسیت، به‌سادگی آن‌ها را در بخش نظری واجد شرایطی عمیقاً بینارشته‌ای می‌کند. دراماتورژی و میلادش در قرن هجدهم آلمان بی‌ارتباط با رویکرد فلسفی روزگار معهود نیست. دراماتورژی، شاید در عمیق‌ترین کلام فهم این ماهیت بینارشته‌ای است. ماهیتی که نزد ما گویی هنوز به‌قدر کفایت فهم و درک نشده است. حکم لسینگ را مشاهده خواهید کرد. حکمی که مانیفست بنیادین دراماتورژی و به‌طور عام نظام مدرن تئاتر است: جدایی نظریه و اجرا به چیزی جز زوال و انحطاط نخواهد انجامید. دراماتورژ، مدیر ادبی و منتقد درون‌سازمانی نیز، نگهبانانی برای حفظ این ضرورت هستند. تخصص دراماتورژ به‌سادگی در زمینه هنرهای نمایشی خلاصه نمی‌شود، او پیوندی است میان دستاوردهای نقد ادبی، فلسفه و به‌شکل جامع اندیشه و جهان تئاتر. این پیوند برانگیزاننده‌ی حساسیت‌ها و چالش‌هایی است که نیاز به مراقبت ویژه دارد. از این روست که دراماتورژی غالباً به‌مثابه‌ی نهاد باید مورد فهم قرار گیرد تا منصب. یکی از این چالش‌ها، حفظ اصالت هنر در برابر اصالت اندیشه است.

آن‌چه افق را کمی تیره‌وتار می‌کند، ضرورت حمایت‌های دولتی ــ بدون توقع

www.ketab.ir

نسبت به برآورده شدن خواست‌های سیاسی ــ است. این ضرورت، امری است که باید در پژوهش‌های آتی پیرامون بومی‌سازی الگوی دراماتورژی مورد دقت قرار گیرد. دراماتورژی در ابعاد کلان خود چنان‌چه از ساز و کاری دموکراتیک، بهره‌مند نباشد، به سهولت به نهادی بدل خواهد شد که همگان حسرت دوران فقدانش را می‌خورند! لذا چنان‌چه پژوهش‌های آتی در زمینه بومی‌سازی الگوی دراماتورژی، انجام گرفت، باید به‌دقت نظام و مکانیزمی را مهندسی کرد که متکی بر مرکزیت تکثّر و تضارب آرا، اصالت گفت‌وگو، عدم نفوذ فکر، مشی و یا رویکردی خاص باشد.

دراماتورژی در ابعاد گسترده خود تنها در لوای یک نهاد تئاتری معنا خواهد یافت. از همین روست که در قالب گروه‌های نمایشی کوچک و پراکنده کار، و یا نهادهای تئاتری بی‌توجه به رپرتواری، با تقلیل دراماتورژ به فردی با تخصص کار بر روی متن نمایشی مواجهیم. رپرتوار و تنظیم آن، امری است که معیار سنجش توان دموکراتیک نهاد، مدیر، گروه‌های اجرایی و شخص دراماتورژ خواهد بود. رپرتوار نیز تنها در تعادلی دشوار به‌شکل آرمانی خود نزدیک خواهد شد. مسائلی از قبیل، عدم غلبه فکر و یا منش غیر هنری خاص در کلیت رپرتوار، برقراری تعادل میان سلیقه‌های متفاوت جاری در کلیت رپرتوار، توجه و عنایت کافی به آثار نوین نمایشی با رویکرد تجربی بدون توجه به میزان نفوذ نام هنرمند وده‌ها مورد دیگر از ظرایفی هستند که تدوین رپرتوار را جز با دخالت تشکل‌هایی با ضابطه دموکراتیک ممکن نخواهند کرد.

مرکزیت‌گرایی تئاتر ایران در پایتخت نیز از مواردی است که انتظار می‌رود با فراگیر شدن احتمالی نهاد دراماتورژی در کامل‌ترین شکل آن – در آینده‌ای نه چندان نزدیک – مرتفع شود. نهاد دراماتورژی امروز قادر است با تسلط روزافزون رسانه‌های جمعی مثل تلویزیون، رادیو، شبکه‌های تلویزیونی و همچنین نفوذ خیره‌کننده سینما در ابعادی قابل قبول مقابله کند. فهم صحیح از نیازهای جامعه، رشد دیالکتیک فرم‌های هنری، پرهیز از پوپولیسم افراطی از یک سو و سرآمدگرایی افراطی هنری از سوی دیگر، پویایی نیروهای انسانی، مدیریت و پرورش نیروهای جدید، اضافه کردن کارکردهای نوین به هنر تئاتر و از همه مهم‌تر فهم ضرورت آموزش آکادمیک، از شاخصه‌هایی است که در این امر دخیل بوده‌اند. نفوذ چنین

www.ketab.ir

رویکردی در شهرستان‌ها، با هر میزان فاصله از مرکز می‌تواند منجر به اضمحلال مرکزیت بیمارگونه تئاتر ایران باشد.

باید اذعان کرد در وضعیت ایستای کنونی، تحقق نهاد دراماتورژی با ابعاد گسترده‌ای که خواهید دید، بیشتر شبیه‌یک رؤیاست. رؤیایی که می‌توان تا ابد در حسرت آن نسوخت! اما مهم‌ترین نکته در تحقق این آرمان که به‌مثابه‌ی گام نخستین این فرآیند نیز هست، پذیرش ضرورت تحول در نظام مدیریتی، اذعان به ماهیت بینارشته‌ای، اهمیت حیات نظری و تئوریک، نقش کلیدی نقد به‌مثابه‌ی ضامن پویایی شکل هنری، به‌روزرسانی نیروهای آموزشی، ایجاد گرایش‌های نوین آموزشی و پذیرش تکثّر آرا و اصالت گفت‌وگو است. امیدوارم این ترجمه، دست کم‌توان چالش‌آفرینی در زمینه‌های مذکور را داشته باشد.

در پایان باید مراتب سپاسگزاری خود را نسبت به عزیزانی که در این امر مرا از یاری بی‌دریغ خود محروم نکرده‌اند، به عرض برسانم: دکتر محمدحسین ناصربخت که همواره بی هیچ رنجشی تلاش‌های مرا مورد عنایت خود قرار دادند، آرش سهرابی عزیز که حضورش و تسلطش بر شرایط نمایشی ایران، نگاه نافذ و عالمانه‌اش و گوش شنوایش دلگرمی بی‌نظیر من بوده، مادر بزرگوارم و سرکار خانم مارال آذران که هر دو مرا در ترجمه‌ی عبارات آلمانی یاری کردند.

www.ketab.ir